

گروه مهرستان



گروه عرفانی، فرهنگی، هنری مهرستان

عنوان کتاب به فارسی:	دعوت مهربابا
عنوان کتاب به انگلیسی:	Meher Baba's Calling
گردآوری:	Adi K. Irani
نام مترجم:	برگرفته از بیانات اوتار مهربابا
ویراستار:	کانون اوتار مهربابا
نوبت انتشار الکترونیکی:	گروه مهرستان
نسخه الکترونیکی:	دوم
نام ناشر:	۱.۵
محل نشر:	گروه مهرستان
تاریخ نشر:	وب سایت گروه مهرستان
	آذر ۱۳۸۲

این کتاب با عشق به مهربابا انتشار یافته و بهره‌مند شدن از آن برای همه‌ی دوستان اوتار مهربابا به هر شکل آزاد است



گروه عرفانی، فرهنگی، هنری مهرستان

گروه مهرستان

شماری از ایرانیان دوستدار اوتار مهربابا که در کشور هندوستان زندگی می‌کنند، در تلاشند تا با گردآوری هرآنچه درباره‌ی اوتار مهرباباست، بتوانند راه دستیابی رهروانی را که در جستجوی مهربابا و جویای دانسته‌هایی در این راستا می‌باشند آسان نموده و از این راه وظیفه‌ی خود را هرچه نیکوتر انجام دهند. امید است، برآیند این کوشش‌ها مورد پذیرش بوده و راهگشای دوستداران و جویندگان باشد. اینک، شمه‌ای از کارهای گروه مهرستان که بخشی از آن انجام شده و همچنان ادامه دارد به آگاهی می‌رسد:

- * گردآوری کتاب‌ها، ترجمه، ویرایش و چاپ آنها
- * گردآوری فیلم‌ها، دوبلاژ، میکساز و گذاشتن زیرنویس‌های فارسی و انگلیسی
- * گردآوری سروده‌ها و آهنگ‌های مهربابا، ساخت آهنگ، تنظیم و ترجمه‌ی آنها به فارسی
- * گردآوری عکس‌ها و روتوش آنها
- * ساخت وب سایت اوتار مهربابا به زبان فارسی با مجوز رسمی تراست اوتار مهربابا (تنها وب سایت رسمی اوتار مهربابا به زبان فارسی)

شما می‌توانید، از طریق این وب سایت به همه موارد یاد شده در بالا دسترسی پیدا نموده یا به زودی از آنها بهره‌مند شوید.

گردآوری و فراهم نمودن همه‌ی آنها، از سوی گروه مهرستان با عشق به مرشدشان اوتار مهربابا انجام شده و از شما دوستداران مهربابا خواهشمندیم با عشق به مهربابای محبوبمان همه‌ی آنها را در دسترس دیگر دوستداران مهربابا نیز قرار دهید.

استفاده‌ی این مطالب در سایر وب سایت‌ها، وبلاگ‌ها و ... با ذکر مأخذ آن آزاد می‌باشد.

مقدمه

خدا همه چیز است و خدا در همه چیز وجود دارد. خدا نامحدود و مطلق است. آفرینش محدود است اما از لحاظ عددی نامحدود است. اوتار مهربابا تجسم خداست.

آفرینش، از قانون تضادهای خوب و بد و خوشحالی و بدبختی پیروی می‌کند. برای اینکه تعادل زندگانی حفظ گردد تضادها باید به مقتضای زمان، مکان، شرایط محیط و آنچه در آن است کم و بیش موازنه گردد. اگر تعادل بر هم بخورد عذاب به وجود می‌آید. وقتی تعادل برقرار گردد آرامش ایجاد می‌شود. آنچه که بیش از همه چیز بر زندگی انسان تاثیر می‌گذارد خوشحالی و بدبختی است. لذا آنچه که بیش از همه چیز مورد توجه انسان است، کوشش او برای به دست آوردن خوشحالی و غلبه بر بدبختی می‌باشد. آن خوشحالی که ما آن را بی‌فکرانه لذت می‌دانیم با عذاب همراه است. تقریباً یک بازی بی‌انتهای از تضادهای خوب و بد در جهان انجام می‌گیرد که یکی می‌خواهد از دیگری پیشی گیرد.

خوشحالی حقیقی آن سوی تضادهاست. انسان می‌تواند سعی کند که پا فراسوی تضادها بگذارد. اما رهایی نهایی از سوی مرشد کامل یا اوتار صورت می‌گیرد. فیض عشق اوست که می‌تواند روح را از چنگال تضادها آزاد ساخته و او را به وجد و خوشحالی بی‌پایان ارتقا بخشد.

گزیده‌ی سخنان اوتار مهربابا که در این کتاب فراهم آمده است، توسط کانون اوتار مهربابا در بمبئی گردآوری گردیده است. مطالعه‌ی دوباره و دوباره‌ی آنها عشق به نیکی را در انسان بیدار می‌کند و در این زمان او را با عشق خدا که بنا بر گفته‌ی بابا هدف زندگی است، هماهنگ می‌سازد.

فهرست مطالب

عنوان

۱	۱- همه به سوی من آیید
۱	۲- نگران نباشید
۱	۳- خوشحال باشید
۱	۴- زندگی تان را در قدم من قرار دهید
۲	۵- راههای مرا بدانید
۲	۶- از آن من شوید
۲	۷- فرمانهای من
۲	۸- شما سعادت‌مند هستید
۳	۹- خود را گم کنید
۳	۱۰- به خدا معتاد شوید
۳	۱۱- هدیه‌ی عشق الهی را به دست آورید
۴	۱۲- به هدف زندگی دست یابید
۴	۱۳- در انتظار پاداش نباشید
۴	۱۴- بالاترین بالاترها
۴	۱۵- شما چطور باید نزد من آیید
۵	۱۶- مرا دانای کل بدانید
۵	۱۷- روی خود را به سمت من نگه دارید
۵	۱۸- خود را از بند آزاد سازید
۵	۱۹- به آن سوی مذهب راه یابید
۶	۲۰- هم اکنون بیدار شوید
۶	۲۱- به خدا عشق می‌ورزیم اگر:
۶	۲۲- مردم را به سوی حقیقت فرا خوانید
۶	۲۳- خواست من
۷	۲۴- نگاه دارید آنچه را ایمان دارید
۷	۲۵- بی‌آرزو باشید
۷	۲۶- بخواهید آنچه که من می‌خواهم
۷	۲۷- کارکنان من باید چون خاک شوند
۸	۲۸- به من نزدیک‌تر شوید
۸	۲۹- مرا همراه خود داشته باشید
۸	۳۰- آنچه در مورد من احساس می‌کنید بگویید
۸	۳۱- اقیانوس عشق
۹	۳۲- به او خدمت کنید که به همه خدمت می‌کند
۹	۳۳- با خود و خدا صدیق باشید
۹	۳۴- خودتان را تسلیم نمایید
۹	۳۵- تسلیم اراده‌ی من باشید
۱۰	۳۶- زبان دل
۱۰	۳۷- مردن را آغاز کنید
۱۰	۳۸- همه‌ی کارها را برای من انجام دهید
۱۰	۳۹- یک دل داشته باشید
۱۱	۴۰- در سکوت، عاشق من باشید

- ۱۱ -۴۱- به دیگران خدمت کنید همان طوری که به من خدمت می‌کنید
- ۱۱ -۴۲- به سوی من آیید
- ۱۱ -۴۳- به بیکرانی خویش پی برید
- ۱۲ -۴۴- از من اطاعت کنید
- ۱۲ -۴۵- برای همیشه بیدار شوید
- ۱۲ -۴۶- جویای کشور خاکی نباشید
- ۱۲ -۴۷- مرا خدا بدانید
- ۱۲ -۴۸- سعی نکنید مرا درک کنید
- ۱۳ -۴۹- بازی الهی
- ۱۳ -۵۰- دانش جاودانی را به دست آورید
- ۱۳ -۵۱- به خاطر خودم عاشق من باشید
- ۱۳ -۵۲- مرا دائماً در یاد داشته باشید
- ۱۴ -۵۳- دل خود را از بیگانگان خالی کنید
- ۱۴ -۵۴- تسلیم خواست من باشید
- ۱۴ -۵۵- به من ایمان کامل داشته باشید
- ۱۴ -۵۶- از رنج و عذاب نهراسید
- ۱۵ -۵۷- دل خود را پاک نگه دارید
- ۱۵ -۵۸- پیام عشق مرا گسترش دهید
- ۱۵ -۵۹- برای وصال با خدا بی‌قرار باشید
- ۱۵ -۶۰- الوهیت را به دست آورید
- ۱۵ -۶۱- خود را فراموش کنید
- ۱۶ -۶۲- در من زندگی کنید
- ۱۶ -۶۳- بهشت را روی زمین تجربه کنید
- ۱۶ -۶۴- مرا چون خودی حقیقی‌تان بیابید
- ۱۶ -۶۵- احساس ناتوانی نکنید
- ۱۷ -۶۶- مرکز خود را در من نگه دارید
- ۱۷ -۶۷- دامن مرا محکم بگیرید
- ۱۷ -۶۸- در آگاهی‌ام سهیم گردید
- ۱۷ -۶۹- عشق حقیقی
- ۱۸ -۷۰- انجام دهید هرآنچه که می‌گویم
- ۱۸ -۷۱- خدا
- ۱۸ -۷۲- بیدار کننده
- ۱۸ -۷۳- روح
- ۱۹ -۷۴- هدف زندگی
- ۱۹ -۷۵- کارکنان روحانی
- ۱۹ -۷۶- عشق الهی

من نیامده‌ام تعلیم دهم
آمده‌ام بیدار کنم.

اوتار مهربابا

دوره مهرستان

دعوت مهربابا

۱- همه به سوی من آیید

دعوت بابا ندای خداست

در هر دوره و زمان که مشعل تقوی کم نور می شود اوتار بار دیگر ظهور می کند تا مشعل عشق و حقیقت را دوباره روشن نماید. دوران بعد از دوران در میان فریاد جدایی ها، جنگ ها، ترس و هرج و مرج، دعوت اوتار به گوش می رسد:

«همه به سوی من بیایید»

موقع آن فرا رسیده، و من دعوت را تکرار می نمایم و همه را به سوی خود می خوانم. من در گذشته تاکید نموده ام، اکنون به شما می گویم و برای همیشه در هر عصر و هر زمان تکرار می نمایم که جامه و لباس زندگی را رها کنید تا اینکه به هستی، که جاودانه از آن شماست پی ببرید. من فقط یک پیام دارم که بدهم و آن را در هر عصر و زمان برای همگان تکرار می نمایم: **به خدا عشق بورزید.**

۲- نگران نباشید

دوباره ی هیچ چیز نگران نباشید. همواره به من فکر کنید. تنها من وجود دارم، تنها یکتایی که وجود دارد من هستم. تنها یکتاست که حایز اهمیت است.

نگران نباشید بلکه به من بیشتر و بیشتر عشق بورزید. در هر امتحان و مشکلی که ممکن است با آن مواجه باشید، دامن مرا محکم بگیرید.

بیشتر و بیشتر به من فکر کنید و تمام نگرانی های شما رفته رفته هیچ خواهند شد، زیرا آنها در واقع هیچ هستند و اراده ی من این را در شما و در همه بیدار خواهد نمود.

اگر باید نگران باشید، نگران باشید که چگونه باید مرا دایم به خاطر آورید. این نگرانی ارزشمند است زیرا پایان نگرانی را فراهم می آورد. بنابراین نگران این باشید که مرا فراموش نکنید.

بهترین را انجام دهید، سپس نگران نباشید، در عشق من خوشحال باشید

۳- خوشحال باشید

چرا شما نباید خوشحال باشید؟ چه نیازی است که شما در بند غم باشید؟ الزاماً خود ساخته است. اگر واقعاً طالب آزادی هستید می توانید بر آن پیروز شوید. شما خود مانع آزادی خویش می باشید و فقط آرزوی آزادی داشتن کافی نیست. آنچه را که می اندیشید یا می گوید مهم نیست بلکه آنچه که صمیمانه در درون خود احساس می کنید مهم می باشد. اگر خدا را می خواهید باید تنها خدا را بخواهید. اگر بخواهید حقیقت را تجربه کنید دسترسی به خدا امکان پذیر می گردد. بهای آن چیست؟ هستی مجزای خودتان. وقتی تمام کذب و مجاز را تسلیم نمودید وارث حقیقتی می شوید که واقعاً هستید.

من می خواهم همه ی شما خوشحال باشید. به شما می گویم، تحت تمام شرایط غیر واقعی خوشحال بمانید. وقتی شما به من عشق نمی ورزید من خوشحال نیستم. اگر شما آرامش یک دریایچه ی منجمد را داشته باشید مرا درک خواهید کرد.

۴- زندگانی تان را در قدم من قرار دهید

اگر شما حقیقتاً و با تمام ایمان بابای خود را به عنوان بالاترین بالاترها می پذیرید، شایسته است به جای اینکه در پی برآورده شدن امیال خود باشید زندگانی خود را در قدم او قرار دهید. نه تنها یک زندگی بلکه میلیون ها زندگی تان قربانی کوچکی خواهد بود در قدم شخصی چون بابا که بالاترین بالاترهاست، زیرا که عشق بی حد بابا تنها راهنمای مطمئن و شکستناپذیری است که شما را به سلامت از میان بی شمار کوره راه های زندگی ناپایدارتان هدایت می کند.



آنها که همه چیز، بدن، ذهن و دارایی خود را تسلیم می‌دارند که روزی به ناچار باید آنها را به دور افکنند و با منظور و غرضی تسلیم می‌دارند، نمی‌توانند مرا مدیون خود سازند. آنها همه چیز را تسلیم می‌دارند زیرا آنها می‌فهمند که برای به دست آوردن گنج دایمی سرور، باید دارایی ناپایدار را ترک گویند. این آرزو برای دستیابی به چیزی بزرگ‌تر هنوز در پشت تسلیم‌شان قرار دارد و چنین تسلیمی نمی‌تواند کامل باشد.

۵- راه‌های مرا بدانید

من اگر برتر از سطح یک انسان معمولی و خیلی بالاتر از سطح مقدسین و یوگی‌ها می‌باشم، بنابراین من باید بالاترین بالاترها باشم، که در این صورت مرا با عقل انسانی و ذهن محدودتان قضاوت نمودن و با آرزوهای دنیوی به سوی من آمدن نه تنها اوج حماقت خواهد بود، بلکه نشانگر نادانی محض نیز می‌باشد، زیرا هیچ اندازه، بازی عقلانی هرگز قادر به درک راه‌های من یا قضاوت در مورد حالت لایتناهی من نخواهد بود.

اگر من بالاترین بالاترها هستم ازدهام قانون است و خواسته ام بر قانون حاکم است و عشقم نگهدار عالم می‌باشد. بلاهای ظاهری و رنج‌های گذران شما چیزی نیستند مگر ثمره‌ی عشق من برای خیر عاقبت، بنابراین اگر به خاطر رهایی از وضعیت نامساعد خویش پیش من آید، اگر انتظار داشته باشید که آرزوهای دنیوی شما را برآورده سازم، درخواست می‌کنید که غیر ممکن را انجام دهم. می‌خواهید آنچه را که قبلاً مقرر داشته‌ام ملغی سازم.

۶- از آن من شوید

من از بالاترین سطح به سطح شما نزول نموده‌ام. چنانچه مرا از آن خود بدانید طبیعتاً و به طور اتوماتیک شما از آن من می‌شوید. اگر شما فقیر هستید مرا فقیر بدانید، اگر ثروتمند هستید مرا ثروتمند بدانید، اگر بی‌سواد هستید مرا بی‌سواد بدانید، اگر باسواد هستید مرا باسواد بدانید. من به سطح شما نزول کرده‌ام و اگر در آن سطح با تمام وجود به من عشق بورزید به بالاترین سطح که سطح واقعی من است ارتقا می‌یابید زیرا من در همه هستم. شما هنگامی می‌توانید مرا چون یکی از شما و یکی در شما بدانید که حجاب‌های جدا آفرین کنار روند، و این موقعی میسر است که شما صادقانه و از صمیم دل به من عشق بورزید. هنگامی که بدنم را رها کنم، در همه‌ی کسانی که به من عشق می‌ورزند، باقی خواهم ماند. من هرگز نمی‌میرم، به من عشق بورزید. از من اطاعت کنید و شما مرا خواهید یافت.

۷- فرمان‌های من

هیچ آرزویی به خود راه ندهید مگر بی‌آرزویی. به هیچ چیز امید نداشته باشید مگر غلبه بر همه‌ی امیدها. چیزی نخواهید و همه چیز خواهید داشت. بر کسی خشمگین نشوید مگر بر ضعف خود. از کسی تنفر نداشته باشید مگر از نفس شهوت ران خود. حریص باشید که ثروت بردباری و عدالت را بیشتر و بیشتر از آن خود کنید. علیه آرزوهای خود جنگ کنید تا الوهیت، پیروزی شما باشد. با این درک که خدمت به سایرین خدمت به من است به آنها خدمت کنید. به خواست من کاملاً تسلیم باشید تا خواست من خواست شما شود. بگذارید وسوسه‌ی شما این باشد که با عشق خود مرا وسوسه کنید تا اینکه فیض مرا دریافت نمایید.

دعوت مهر بابا

۸- شما سعادتمند هستید

شما سعادتمند هستید که اوتار را دارید. عاشقان من سعادتمندند که خدا را در شکل انسانی در میان خود دارند. فقط یک گوشه چشم من کافی است که هر چه را احتیاج دارید به شما بدهد، می‌تواند دیدگاه شما را به سمت درون بگرداند. شما بدون هیچ‌گونه تغییر ظاهری اینجا خواهید نشست اما شما آنچه که واقعاً هستید خواهید شد. برای آن لحظه باید صبر کنید. آن لحظه نزدیک است و برای آن شما باید از صمیم دل به من عشق بورزید. در غیر این صورت آن را از دست خواهید داد. اگر در شما را بکوبم و شما خواب باشید من خوابم رفت. در دوره‌های اوتاری لزومی ندارد که سفر درونی طی مراحل انجام گیرد. اگر فیض اوتار نصیب شما گردد او شما را از جایی که هستید به جایی که باید باشید، جایی که خدا می‌خواهد می‌رساند.

۹- خود را گم کنید

برای رسیدن به حالت خدایی در حالی که همه کار انجام می‌دهید هیچ کاری را انجام ندهید. برای یافتن خدا شما باید خود را گم کنید. برای اینکه بی‌نهایت آگاه باشید شما باید آگاهانه، آگاهی از خویشتن را از دست بدهید. اگر حضور خدا را می‌خواهید هرگز از او غایب نشوید. خودی مجازی خویش را انکار کنید تا خودی حقیقی‌تان خودش را ابراز دارد. همه چیز را به آن اندازه ترک گوید که سرانجام حتی مفهوم «ترک نمودن» را نیز ترک نمایید. به خاطر بابا بمیرید، به خاطر بابا بمیرید، تا همچون بابا زندگی کنید.

برای آنکه مرا آن‌گونه که واقعاً هستم بشناسید دلتان چون دل یک طفل باشد و چون یک دانشمند دانا باشید. یا خود را از شراب عشق بابای عزیز دور نگه دارید و یا اگر آن را مزه می‌کنید دهان خود را از هرگونه شکایتی ببندید.

۱۰- به خدا معتاد شوید

اگر به خدا معتاد شوید تمامی مسایل شما حل می‌شود. به نوشیدن شراب عشق الهی ادامه دهید تا با خدا یکی شوید. شما باید از همه چیز حتی وجود خودتان دست بشوید آن هنگام بابا از آن شما می‌گردد. خدا آن سوی دین، آن سوی عشق است. وقتی به شدت عشق خدا، بورزید تجربه‌ی فراق واقعی از خدا حاصل می‌شود. وقتی هدیه‌ی عشق را به دست آوردید به خویشتن خویش می‌رسید خودی مجازی به خودی حقیقی عاشق می‌گردد.

خدا را همیشه در درون خود حاضر نگه دارید. بگذارید که او اساس افکار، گفتار و اعمال شما را تشکیل دهد. در هر کار کوچکی که انجام می‌دهید خدا را به یاد داشته باشید، آن هنگام مسئولیت به عهده‌ی او خواهد بود. شما باید با چنان شدتی به خدا عشق بورزید که خواب و خور، استراحت و غیره را فراموش نموده و برای محو شدن در او کاملاً بی‌قرار گردید.

۱۱- هدیه‌ی عشق الهی را به دست آورید

به زور نمی‌توان عشق را به دست آورد. هیچ مقدار از توبه، مراقبه، دعا و غیره نمی‌تواند هدیه‌ی عشق را به شما بدهد. وقتی این هدیه از جانب خدا نازل گشت تمامی حجاب‌های سانسکاراها (کشته‌ی اعمال) را می‌سوزاند. اگر به روحی عشق بورزید مانند این است که زندگی او را به زندگی خویش افزوده‌اید. بدین‌سان زندگانی شما وسعت می‌یابد و شما در دو مرکز خواهید زیست. اگر به تمام دنیا عشق بورزید در تمام دنیا خواهید زیست. همان‌طور که به خود و وابستگان خود عشق می‌ورزید، به دیگران نیز عشق بورزید. سعادتمند کسانی هستند که عشقشان به وسیله بلاها امتحان شود. عشق ایجاب می‌کند که عاشق خود را فدای معشوق نماید. اگر شما آن عشقی را به من داشته باشید که فرنیسیس به عیسی داشت آن‌گاه نه تنها مرا خواهید یافت بلکه مرا خوشنود خواهید نمود.



۱۲- به هدف زندگانی دست یابید

ساده‌ترین راه رسیدن به هدف زندگی آن است که از طریق عشق «همه چیز را ترک نموده و از من پیروی کنید». مقصود من این نیست، که خانه و خانواده‌ی خود را ترک کنید و نزد من آید. مقصود من این است، که در منزل نزد خانواده‌ی خود بمانید، اما به من عشق بورزید آن چنان که من می‌خواهم به من عشق بورزید. بیش از همه به من عشق بورزید. این ساده‌ترین راه است. باز هم راه ساده‌تر برای دستیابی به هدف، اطاعت از من است، اطاعت بدون چون و چرا. این کار ساده‌تر از ساده‌ترین است. سعی کنید. اگر سعی کنید من به شما کمک خواهم نمود. همین که تصمیم به اطاعت گرفتید دیگر به خودتان تعلق نخواهید داشت. کمترین ریا، شما را از تصمیم باز می‌دارد و همه چیز را به نمایش مضحکی مبدل می‌سازد.

هرچه را می‌گویم انجام دهید، حتی به قیمت جانتان، و اگر صد در صد با خلوص کامل و به هر قیمت از من اطاعت نمایید، این کار بالاتر از عشق خواهد بود.

۱۳- در انتظار پاداش نباشید

هر عذابی را که ممکن است به شما روی آورد باید با ایمان کامل و عشق به بابا تحمل نمایید. بزرگ‌ترین چیزی که ممکن است روی دهد چیست؟ اینکه شما ممکن است بمیرید؛ و پر واضح است که شما روزی باید بمیرید. دیر یا زود شما باید این بدن را رها کنید. پس چرا فکر نمی‌کنید که دیگر بدنتان وجود ندارد و لذا بدون وابستگی فعالیت نکنید؟ چیز دیگری که باید به خاطر بسپارید این است: درست‌کار باشید. من در همه چیز و همه کس هستم، و چون خدا، در همه چیز و همه کس هست، همه چیز را می‌داند؛ لذا کاملاً تسلیم خواست او باشید. بهترین کاری که شما می‌توانید انجام دهید، این است که صادقانه به من عشق بورزید. برای من کار کنید، فقط من پایدار می‌مانم. بقیه‌ی چیزها، نمایشی زودگذر است. در کاری که برای من انجام می‌دهید نباید انتظار پاداش داشته باشید.

۱۴- بالاترین بالاترها

بدانید که اگر من بالاترین بالاترها باشم نقش من ایجاب می‌کند که شما را از تمامی خواست‌ها و دارایی‌هایتان پاک سازم، تمام آرزوهایتان را بسوزانم و به جای برآوردن آرزوهایتان شما را بی‌آرزو نمایم. اولیا، پیران، مرتاض‌ها و یوگی‌ها می‌توانند آنچه را که می‌خواهید به شما بدهند اما من خواسته‌هایتان را از شما می‌گیرم و شما را از دلبستگی آزاد می‌سازم و شما را از بند نادانی نجات می‌بخشم. من آن کسی هستم که می‌گیرم من آن نیستم که آنچه را که می‌خواهید یا آن طوری که می‌خواهید به شما بدهم. متفکران با عقل خودشان هرگز نخواهند توانست مرا درک کنند. اگر من بالاترین بالاترها باشم برای شما غیر ممکن خواهد بود که مرا بسنجید و راه‌های مرا توسط فکر محدود و انسانی خود درک نمایید.

۱۵- شما چطور باید نزد من آید

من به همه‌ی شما که پیش من آمده‌اید و همه‌ی آنها که می‌خواهند نزد من آیند و مرا به عنوان بالاترین بالاترها می‌پذیرند می‌گویم با آرزویی که خواستار ثروت و چیزهای دنیوی است نزد من نیایید، بلکه فقط با اشتیاقی آتشین پیش من بیایید تا همه چیز خود را، بدن، فکر و متعلقات، همراه با وابستگی‌هایشان به من واگذار کنید. مرا جستجو نکنید تا شما را از اوضاع نابسامانتان بیرون آورم بلکه مرا بیایید تا اینکه خودتان را با تمام وجود تسلیم من نمایید. به خاطر خوشی‌های دنیوی و راحتی‌های کوتاه مدت به من تکیه نکنید، بلکه در خوشی و ناخوشی به من بچسبید و خوشحالی و راحتی خود را در قدم من فدا نمایید. بگذارید خوشحالی من خوشحالی شما، و استراحت من استراحت شما باشد؛ زیرا آنها که همه چیز خود را در من گم کنند جاودانه مرا خواهند داشت.

دعوت مهربابا

۱۶- مرا دانای کل بدانید

آنچه می‌خواهم به شما بگویم این است که من همه چیز را می‌دانم. من در هر یک از شما و در همه جا هستم. به عنوان «من» حقیقی و آگاه، در این «من» مجازی شما همه چیز را می‌دانم. شما همان‌طور که قبلاً وجود داشتید، وجود دارید، زیرا شما بودید، شما هستید و به هستی خود ادامه خواهید داد. شما اینجا در پنجه‌های مایا گرفتار شده‌اید و تجمع سانسکاراها (کشته‌ی اعمال) شما را بیشتر و بیشتر گرفتار مایا می‌سازد. همه‌ی این زندگانی یک خواب است. گذشته و آینده وجود ندارد. فقط زمان حال جاویدان، وجود دارد. اگر مرا به عنوان خدا پذیرفته‌اید، خدا دانای کل است. پس چه انگیزه‌ای موجب می‌شود که شما مشکلات خود را نزد من آورید؟ این‌طور که هست، به نظر می‌آید که من همه چیز را نمی‌دانم! بدانید که من خود دانش هستم.

۱۷- روی خود را به سمت من نگه دارید

صورت‌های خود را به سمت خورشید حقیقت نگه دارید، تا سایه‌ی شما که همان مایای انفرادی است پشت سر شما قرار گیرد؛ و اگر چه هنوز وجود خواهد داشت اما قدرت و نفوذی بر شما نخواهد داشت؛ اما اگر پشت به خورشید کنید سایه‌های شما جلوی شما قرار خواهند گرفت و شما در پی آنها خواهید رفت. اگرچه شما به سعی خود نمی‌توانید از شر سایه‌هایتان رهایی یابید، اما اگر پشت به آنها کنید و روی خود را به سمت خورشید نگه دارید هنگامی که به اوج و شکوه خود برسد، سایه‌های شما برای همیشه محو خواهد شد. برای آنها که در راه روحانی هستند من خورشیدی هستم که به آنها روح و زندگانی می‌بخشم. بهترین کار این است که مرا در یاد خود داشته باشید و سایر چیزها را فراموش نموده به من واگذار کنید.

۱۸- خود را از بند آزاد سازید

اگر شما بتوانید به من عشق بورزید، به خدا عشق بورزید، عشق شما موجب می‌شود که مرا بشناسید. اگر بتوانید سایرین را با عشق خود خوشحال نمایید بدون اینکه در پی خوشحالی خود باشید می‌توانید خود را از این بند آزاد سازید. آن هنگام می‌توانید مرا آن‌طور که حقیقتاً هستم ببینید. همین که آن تجربه را به دست آورید احساس آزادی نموده و شادمانی بیکران را تجربه می‌کنید. فیض خدا موجب می‌شود که شما به من عشق بورزید. فیض من، شما را با من یکی می‌سازد. اگر در هر بلا و مصیبتی چهره‌ی خندان خود را حفظ نمایید ممکن است موجب شود که مانند خاک شوید، و فقط موقعی می‌توانید مانند خاک شوید که بالاترین نوع عشق را برای من داشته باشید. به خدا عشق بورزید آن چنان که باید به خدا عشق بورزید. باید برای خدا زندگی کنید و برای خدا بمیرید و بدانید که مقصود از تمامی زندگی این است، که به خدا عشق بورزید و او را همچون وجود خود ببینید.

۱۹- به آن سوی مذهب راه یابید

کارهای طوطی وار را کنار بگذارید. به آنچه که واقعاً احساس می‌کنید درست و عادلانه است عمل نمایید. در ایمان و عقیده‌ی خویش ظاهرسازی را کنار بگذارید. لزومی ندارد که مذهب خود را ترک کنید، بلکه چسبیدن به پوسته و مراسم را ترک نمایید. برای رسیدن به جوهر و هسته‌ی حقیقت که در تمام مذاهب وجود دارد به آن سوی مذهب راه یابید. من نور جهانم. یک روز همین که جلوه‌ای از حقیقت مرا دیدید، مرا خواهید شناخت. به ندرت کسی می‌تواند مرا آن‌طور که حقیقتاً هستم ببیند؛ شما همه چیز (مجازی) را می‌بینید، مگر مرا. حجابی، حقیقت مرا احاطه کرده است. حتی بالاترین نوع تجربه‌ی باطنی قادر به درک حالت حقیقی من نیست؛ زیرا وقتی خدا در کره‌ی زمین به شکل انسان ظهور نموده و الوهیت خویش را به بشریت عرضه می‌نماید به صورت اوتار- مسیح- پیامبر، شناخته می‌شود.



۲۰- هم اکنون بیدار شوید

من انتظار ندارم آنچه را که می‌خواهم بدانید، در یک آن درک کنید. این بسته به من است که طی اعصار و دوران متمادی شما را بیدار نمایم، و بذر را در ذهن‌های محدودتان بیفشانم که به موقع خود و با دقت و توجه شما ریشه گرفته، شکوفا گردد و میوه‌ی دانش حقیقی که شما وارث آن می‌باشید به عمل آید. از طرف دیگر اگر در اثر نادانی اصرار ورزید که راه خود را طی نمایید، هیچ کس نمی‌تواند شما را از انتخابی که برای پیشرفت نموده‌اید باز دارد؛ زیرا آن نیز پیشرفت است که اگرچه آهسته و دردناک می‌باشد، اما سرانجام بعد از تولدهای بی‌شمار موجب می‌شود آنچه را «هم اکنون» از شما می‌خواهم بدانید، تشخیص دهید. برای آنکه خود را از گرفتاری بیشتر در عالم مجاز و عذاب خود ساخته، که شدت آن به اندازه‌ی جهل شما از هدف حقیقی می‌باشد، نجات دهید

هم اکنون بیدار شوید.

۲۱- به خدا عشق می‌ورزیم اگر:

اگر احساس شما نسبت به سایرین، همان احساسی باشد که به عزیزان خود دارید؛
اگر به جای عیب‌جویی از دیگران، به درون خویش بنگرید؛
اگر به جای غارت دیگران برای کمک خود، خود را غارت کرده به دیگران کمک نمایید؛
اگر از مصیبت دیگران مصیبت زده شده، و از خوشبختی دیگران احساس خوشبختی نمایید؛
اگر به جای نگرانی از بدبختی خویش، خود را خوشبخت‌تر از مردم دیگر بدانید؛
اگر سرنوشت و قسمت خود را با صبر و قناعت تحمل کنید و آن را خواست خدا بدانید؛
اگر درک و احساس کنید که بزرگترین عبادت و پرستش خدا، آسیب و آزار نرساندن به آفریده‌های اوست؛
ما به خدا عشق می‌ورزیم.

۲۲- مردم را به سوی حقیقت فرا خوانید

شما می‌توانید به سایرین کمک کنید که به آزادی روحانی برسند، و از عالم مجازی و دوگانگی بیرون آیند به شرط آنکه خود شما در حین کار برای سایرین، این ایده‌ی وحدت را فراموش نکنید. وقتی وارد کار روحانی می‌شوید با تقسیماتی مواجه می‌گردید که مردم به شدت می‌خواهند آنها را حفظ کنند و آنها به این تقسیمات شدت و نیرو می‌بخشند و آگاهانه یا نا آگاهانه سعی بر این دارند که آنها را پایدار سازند. شما باید مردم را به سوی حقیقت فرا خوانید اما با زور نمی‌توان آنها را به سوی روحانیت سوق داد. شما نباید زندگانی را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده و سعی نمایید که جداگانه به هر یک از آنها بپردازید. به عنوان کارکنان روحانی، شما باید دیدی جامع و سازنده از مسایل فردی و اجتماعی زندگی داشته باشید. هرگز آنچه را که خودتان احساس نمی‌کنید، نگویید. فقط آنچه را به سایرین بگویید که صادقانه در مورد من احساس می‌کنید. زیرا هر چه را که شخص صادقانه به آن اعتقاد داشته باشد، من همان هستم.

۲۳- خواست من

از مسئولیت‌های خود شانه خالی نکنید. صادقانه به وظایف دنیوی خود بپردازید، اما همیشه در خاطر داشته باشید که همه‌ی آنها به بابا تعلق دارند.

وقتی خوشحال هستید، فکر کنید: «بابا می‌خواهد من خوشحال باشم».

وقتی در عذابید، فکر کنید: «بابا می‌خواهد من در عذاب باشم».

خود را تسلیم هر موقعیتی بنمایید و صادقانه و صمیمانه فکر کنید که: «بابا مرا در این موقعیت قرار داده است».

با این درک که بابا در همه هست، سعی کنید به سایرین کمک و خدمت نمایید.

دعوت مهربابا

من با قدرت الهی خود به همه می‌گویم، آنکه در نفس‌های واپسین نام مرا بر زبان آورد نزد من می‌آید، بنابراین فراموش نکنید که مرا در لحظات آخر به یاد داشته باشید.

۲۴- ایمان خود را صاحب شوید

همه آزادند که مرا و کار مرا به بهترین وجهی که احساس و درک می‌کنند تعبیر نمایند. یا کلام من، آن طوری که هست باید عرضه شود، یا اگر توسط شما تعبیر شود باید بگویید که آن، تعبیر شماست... من هرگز کمال و اوتار بودن خویش را انکار نکرده‌ام، اما شما هنوز به آن پی نبرده‌اید. من می‌دانم که نظیر و هم‌تا ندارم. شما حق دارید آنچه را که نسبت به من اعتقاد دارید بیان و اعلام نمایید، هیچ وقت در تصاحب نمودن ایمان و عقیده‌ی خویش نسبت به من تردید نکنید. اما مدعی آنچه که واقعا نمی‌دانید و احساس نمی‌کنید، نباشید.

۲۵- بی‌آرزو باشید

تا به زندگی آرزوهای خود پایان ندهید و در خویش نمیرید، نمی‌توانید از زندگی واقعی برخوردار شوید و جاودانه زندگی نمایید. تا زمانی که نگذارید هیچ قسمت از دنیا در اثر وابستگی، شما را تصاحب کند می‌توانید دنیایی را بدون وابستگی صاحب شوید. ترک امیال به معنای ریاضت و داشتن دیدی منفی به زندگی نیست. بدون اینکه از تماس با جنبه‌های مختلف زندگی دوری گزینید در میان فعالیت شدید عدم دلبستگی کامل را حفظ نمایید.

هیچ آرزویی نداشته باشید مگر بی‌آرزویی.

امیدی به خود راه ندهید مگر غلبه بر همه‌ی امیدها.

چیزی نخواهید و همه چیز، خواهید داشت.

۲۶- آنچه را من می‌خواهم شما بخواهید

در عوض اینکه بخواهید آنچه را که شما می‌خواهید من بخواهم، همیشه خواست مرا انجام دهید. اغلب شما از من می‌خواهید که خواست من، خواست شما باشد. آن‌گاه که موفق شدید موافقت مرا با آنچه که می‌خواهید به دست آورید، شادمان گشته به دیگران می‌گویید که همان، خواست من بوده است!

می‌دانم خواست مرا، خواست خود نمودن برایتان آسان نیست. در واقع محال است که خواست خود را خواست من سازید؛ زیرا برایتان امکان ندارد، چنانچه باید و شاید به من مهر و عشق ورزید. لاقلاً از من بخواهید که همیشه خواستم، خواست شما باشد، بلکه با دل و جان در انجام آنچه که می‌خواهم نهایت همت را بنمایید. فقط عشق سوزان نسبت به من، شما را در فرمانبرداری و انجام آنچه می‌خواهم، توانا می‌سازد.

۲۷- کارکنان من باید چون خاک شوند

اخیراً شنیده‌ام در میان بعضی از کارکنانم به وجه قابل ملاحظه‌ای اختلاف نظر به وجود آمده است. اگر چنین است بهتر است برای من کار نکنید. روحیه‌ی رقابت شما را فقط در تسلیم و عشقی که برای من دارید می‌پذیرم. اگر در کاری که برای من انجام می‌دهید مابین خود تفرقه و جدایی ایجاد کنید پایه و اساس آن متزلزل می‌گردد و آن کار به شکست می‌انجامد. گفتن اینکه «فقط من می‌توانم کار بابا را انجام دهم» اوج ریا و تزویر است.

اگر نمی‌توانید با تفاهم با یکدیگر کار کنید چه لزومی دارد که مراکز جدیدی را برای من تاسیس نمایید؟ اگر می‌خواهید راه مرا توسعه دهید، چاره‌ای نیست مگر اینکه در راه من همچون خاک شوید. در این مورد هیچ‌گونه سازشی نباید باشد. هر یک از دعاشقانم باید همچون خاک شوند. آن هنگام مردم خودشان به دور او جمع خواهند شد و زندگی او پیام عشق مرا به سایرین خواهد رساند. همچون خاک شدن تنها رابطی است که شما را به یکدیگر متصل می‌گرداند.



۲۸- به من نزدیک تر شوید

وقتی شما با من صمیمی تر می شوید و فرصت‌هایی را برای بیشتر نزدیک شدن به من به دست می آورید، تمام آنچه که در شما خوب است و تمام آنچه که در شما بد است همچون جرقه‌هایی خارج می شود... تمامی تاثیرات گذشته (سانسکارهای تجمع یافته‌ی گذشته)، مربوط به چیزهای مجازی که شامل خوب و بد می باشد خارج می شوند... نزدیک بودن به من، صمیمیت با من، آن توده‌ی سانسکارها را تغییر می دهد، و گاهی شما جرقه‌هایی را از خوبی و بدی می بینید که خارج می شوند.

وقتی شما به خدا وصل می شوید، شادمانی که تجربه می کنید جاویدان و نامحدود است. این شادمانی پی در پی و پیوسته است. زندگی ابدی نه بند و گرفتاری می شناسد، نه زوال پذیر است و نه غم و اندوه می شناسد.

۲۹- مرا همراه خود داشته باشید

من از نَفَسْتان به شما نزدیک ترم. مرا به یاد داشته باشید، من با شما هستم و عشق من شما را هدایت خواهد کرد. اینکه شما جسماً پیش من باشید مهم نیست. آنچه مهم است بودن من با شماست. بنابراین همیشه مرا همراه خود داشته باشید.

شما باید حتی در زندگی روزمره‌ی خود، صادقانه و در سکوت، به خدا عشق بورزید و در حین خوردن، نوشیدن، صحبت و انجام تمام وظایف می توانید به طور مدام بدون اینکه کسی بفهمد به خدا عشق بورزید.

از راه‌های غیر قابل درک، من شما را به آزادی هدایت می کنم. آهنگ مرا بپذیرید و بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای با آن هماهنگ شوید. آهنگ حقیقت که از آن من می باشد، شما را نجات خواهد داد، دریچه‌ی دل شما را باز خواهد ساخت و عشق جدید به شما خواهد بخشید.

۳۰- آنچه در مورد من احساس می کنید بگویید

از تبلیغات نادرست پرهیزید. آنچه را دل و وجدان شما درباره‌ی من می گوید بدون درنگ بازگو نمایید. وقتی آنچه را که در دلتان در مورد من وجود دارد به سایرین می گوئید، به اینکه مورد تمسخر واقع می شوید یا مورد قبول، اهمیت ندهید.

اگر بابا را به عنوان خدا پذیرفته‌اید، بدون تردید آن را بگویید.

اگر فکر می کنید بابا شیطان است بدون تردید آن را بگویید.

من هرطور که به نظر شما بیایم همان هستم و همچنین آن سوی همه چیز می باشم. پس چرا در ابراز آنچه که درباره‌ی من احساس و فکر می کنید تردید به خود راه دهید و بترسید؟ آن را صادقانه بگویید. هردوی آنها من هستم. اما از وجدان خود پا فراتر نگذارید و صرفاً، محض تبلیغ مبالغه نکنید.

۳۱- اقیانوس عشق

من اقیانوس فیض هستم، اما برای اینکه فیضم را به دست آورید مثل سنگ، سخت می باشم. جلب جریان فیض من به سوی شما، به شدت عشق شما بستگی دارد.

من اقیانوس عشق هستم

آنان که شهامت عشق ورزیدن به من را ندارند در ساحل اقیانوس به دنبال امنیت و ایمنی می باشند. شما که به من عشق می ورزید، در این اقیانوس الهی به شنا مشغولید، به من بیشتر و بیشتر عشق بورزید تا اینکه در من غرق شوید. به قعر اقیانوس فرو روید و مروارید ذی قیمت وحدت بیکران را به دست خواهید آورد.

شما مجبور نیستید چیزی را ترک کنید مگر وجود خودتان. به همین سادگی است، اگرچه دیده شده که تقریباً غیر ممکن می باشد. شما وجود محدودتان را به وسیله‌ی فیض من می توانید ترک کنید. من برای انتشار آن فیض آمده‌ام.

دعوت مهربابا

امیدوار باشید، من آمده‌ام تا به شما کمک کنم که خود را به راه خدا تسلیم نموده و فیض عشق و حقیقت او را پذیرا گردید. من آمده‌ام تا به شما کمک کنم که پیروزی پیروزی‌ها، یعنی فتح خویشتن را به دست آورید.

۳۲- به او خدمت کنید که به همه خدمت می‌کند

خدمت به **خدا-انسان** که به همه خدمت می‌کند، خدمت به جهان است. خدمت بدون منیت و عشق دو صفت الهی هستند. فقط آنکه عشق می‌ورزد، می‌تواند خدمت کند. به **خدا _ انسان** محبوبتان خدمت کنید تا به وجود خودتان در سایرین خدمت کرده باشید. خدمتی را که او از شما انتظار دارد به خاطر نفع روحانی خودتان می‌باشد، اما این خدمت باید خودسر، با علاقه، از صمیم دل، بدون شرط و بدون انتظار هیچ‌گونه پاداشی باشد. خدمت او یک آزمایش دشوار است که جسم، ذهن و روح را می‌آزماید، و گرنه اگر آسان می‌بود و در فرصت مناسب انجام می‌گرفت، چگونه خدمت می‌توانست کامل گردد؟ جسم در رنج است و ذهن در عذاب، اما روح کسی که خدمت بدون منیت برای مرشد انجام می‌دهد، سرور ناشی از خوشنودی را تجربه می‌کند.

۳۳- با خود و خدا صدیق باشید

بگذارید دلتان پاک باشد. آن طور که در باطن نیستید، در ظاهر عمل نکنید. کاملاً صدیق باشید، خدا صداقت بیکران است. خود را پرهیزکار نشان ندهید، زیرا خدا همه جا هست، خدا را نمی‌توان فریب داد پس چرا خود را طوری نشان دهید که نیستید؟ من از شما چیزی نمی‌خواهم مگر ارمان اطاعت. آن را به من بدهید و خود را از بند جهل آزاد سازید. توجه داشته باشید، جهل را آن طوری که باید تجربه شود تجربه کنید و برای آزادی همت نمایید. با خود و خدا صدیق باشید. شما می‌توانید دنیا را فریب دهید، اما هرگز نمی‌توانید از دانش آنکه همه چیز را می‌داند فرار کنید، چنین است قانون الهی.

۳۴- خودتان را تسلیم نمایید

وظیفه‌ی مرشد این است که ابتدا شما را از پنجه‌های زهرآلود «مایا» نجات بخشد و سپس تجربه (شناخت) را به شما عطا نماید. همین که خود را به مرشد تسلیم نمودید او باید به وظیفه‌ی خود عمل نماید. او نمی‌تواند از این کار شانه خالی کند. از آن پس، فقط عشق بی‌حد و ایمان استوار شما لازم است و این، او را در انجام وظایفش نسبت به شما دلگرم می‌نماید؛ بنابراین، مرشد خود را خدای خود بدانید و با عشق و ایمان فراوان تسلیم او باشید و به او خدمت کنید تا نجات یابید. اگر شما همان ایمان را به من داشته باشید که کلیان به مرشد خود داشت (چنانکه روز را شب می‌دید زیرا مرشدش چنین گفته بود) آن هنگام مرا خواهید شناخت.

۳۵- تسلیم اراده‌ی من باشید

به قسمت و سرنوشت خود قانع باشید، چه فقیر یا ثروتمند، خوشبخت یا بدبخت. بدانید که خدا، آن را برای نفع شما طراحی نموده است. تسلیم خواست او باشید.

کاملاً تسلیم اراده‌ی من باشید، تا اراده‌ی من اراده‌ی شما شود. بعضی، کار را دوست دارند، بعضی بازی، اما اگر آن را برای من انجام دهید یکی می‌شود، این است ودانتا (Vedanta) به اختصار. من می‌خواهم که زیر فشار جریانات زندگی خونسرد باشید. زیرا شرایط هرچه باشند آفریده‌ی من هستند. اگر قسمت و سرنوشت خود را با صبر و قناعت تحمل کرده و آن را خواست خدا بدانید، به خدا عشق می‌ورزید.



۳۶- زبان دل

در مقایسه با ضروریات راه، سه چیز از کمترین اهمیت برخوردارند: حلقه‌ی گل به گردن من آویختن، به من تعظیم نمودن و الفاظ توخالی را خواندن یا انجام آرتی می‌باشد. آنها الزاماً نشانگر عشق برای خدا نیستند.

دعایی که خدا می‌شنود دعای دل است، دعایی که از دل بر می‌خیزد، رنج دل، آن چیزی است که خداوند بدان توجه دارد. اگر نمی‌توانید دعا را از ته دل انجام دهید، بهتر آن است که نیایش نکنید. خدا نه به زبان شما و نه به ذهن شما گوش فرا نمی‌دهد. او به زبان دل شما عکس‌العمل نشان می‌دهد. زبان دل، آواز عشق برای معشوق است. معشوق را فقط در درون خویش می‌توانید بیابید زیرا تنها مسکن او، دل است.

۳۷- مردن را آغاز کنید

موقع آن است که مردن را آغاز کنید، مرگ امیال پست. خوشحالی همه جا را فرا گرفته، اما به علت جهل که موجب برآورده شدن امیال می‌شود همگی ناراحت هستند. هدف همه، رسیدن به حالت «بی‌آرزویی» است. این، هدف است. شما می‌گویید، «من این را می‌خواهم، من آن را می‌خواهم!» احتیاجات با خواسته‌ها یکی نیستند و خواستن ناگزیر به عذاب می‌انجامد؛ بنابراین سعی کنید کمتر و کمتر بخواهید. سعی کنید عشق بورزید، و بیشتر و بیشتر عشق بورزید، آن موقع از آنچه که بیش از احتیاجتان باشد کمتر و کمتر خواهید خواست و بیشتر عشق خواهید خواست. همه‌ی آنچه که در طول این سال‌ها، لذت برده‌اید اکنون هیچ است. همه‌ی آنچه که عذاب دیده‌اید امروز هیچ است. همه‌ی آنها مجازی بودند. این حق شماست که خوشحال باشید، پس چرا با خواستن چیزها سعی دارید که اندوهگین شوید؟ هیچ نخواهید و همه چیز خواهید داشت.

۳۸- همه‌ی کارها را برای من انجام دهید

هر چه کمتر به خود فکر کنید و بیشتر به بابا فکر کنید زودتر نفس محو می‌شود و بابا باقی می‌ماند. وقتی «نفس» شما کاملاً محو شد، من با شما یکی هستم. بنابراین اندک اندک «شما» باید محو شوید. امروز بینی شما، فردا گوش‌هایتان، سپس چشم‌هایتان، دست‌هایتان، همه چیز! پس بهتر آن است که به هنگام خوردن، خوابیدن، دیدن یا شنیدن به من فکر کنید. از همه چیز لذت ببرید، چیزی را انکار نکنید، اما فکر کنید که آن باباست، باباست که لذت می‌برد، باباست که می‌خورد. باباست که می‌خوابد و وقتی بیدار می‌شوید به خاطر داشته باشید، آن باباست که بیدار می‌شود! این یک فکر راه، همواره با خود نگه دارید. اگر کار خلافی را مرتکب می‌شوید فکر کنید آن باباست که کار خلاف انجام می‌دهد! اگر دردی به سراغتان می‌آید، فکر کنید آن باباست که درد می‌کشد. اگر همه‌ی این کارها را صمیمانه انجام دهید به چیزی پی خواهید برد. سعی کنید خودتان را فراموش کنید و همه‌ی کارها را برای بابا انجام دهید.

۳۹- یک دل داشته باشید

اگر می‌خواهید با من باشید، باید دلتان پاک باشد. بی‌فایده است اگر گاهی ایمان داشته باشید و زمانی شک و تردید. آن هنگام بهتر آن است که مرا ترک کنید، که در این صورت می‌توانید به زندگی خود در دنیا ادامه دهید و آزاد باشید. اگر می‌خواهید مرا دوست داشته باشید نباید سعی کنید که بین خودتان اختلاف ایجاد کنید. شما با دوست داشتن یکدیگر مرا به بهترین وجه دوست خواهید داشت. اگر پشت سر کسی حرفی بزنید چگونه می‌توانید درباره‌ی عشق من به دنیا بگویید؟ اگر شما مرا آن طوری که می‌خواهم، نتوانید دوست بدارید بهتر آن است که به دنیا درباره‌ی من هیچ نگویید.

به دورویی خاتمه دهید. دورویی را از دل‌هایتان کاملاً پاک سازید. شما باید یک دل داشته باشید، یک دل پاک. ما همه اعضای یک فامیل هستیم. خیلی دوست دارم این را ببینم.

دعوت مهربابا

۴۰- در سکوت به من عشق بورزید

اگر شما به من عشق می‌ورزید نگذارید که با ادای الفاظ، آن عشق به هدر رود. اگر چنین عشقی عمداً به نمایش در آید، توهینی به عشق حقیقی خواهد بود.

شما درباره‌ی پاک‌ی دل باید خیلی دقت کنید، شما از عشق صحبت می‌کنید اما عشق ورزیدن آسان نیست. شما باید طوری به خدا عشق بورزید که نه تنها سایرین از آن بی‌اطلاع باشند بلکه خود شما هم بر آن آگاه نباشید.

من در میان شما نیامده‌ام تا بر من سجده کنید، آرتی مرا به جا آورید و مرا پرستش کنید. من از شما خیلی بیش از این انتظار دارم. من آمده‌ام تا عشق شما را دریافت کنم و عشق خودم را به شما ببخشم. همان طوری که به خود و آنچه به شما تعلق دارد عشق می‌ورزید، به دیگران نیز عشق بورزید.

چیزهایی که حقیقی هستند، در سکوت داده می‌شود و دریافت می‌شود.

۴۱- به دیگران خدمت کنید همان طوری که به من خدمت می‌کنید

خوشحالی واقعی، در دیگران را خوشحال نمودن نهفته است. آرزوی واقعی آرزویی است که شما را به کمال می‌رساند تا اینکه سایرین را به کمال برسانید. کمتر برای خود زندگی کنید و بیشتر برای سایرین زنده باشید. به دیگران خدمت کنید با علم بر اینکه، در آنها به من خدمت می‌کنید.

وقتی شما برای هم‌نوع خود خدمتی بی‌ریا انجام می‌دهید، به خدا خدمت می‌کنید. معنای خدمت بی‌ریا این است، که خدمت باید به قدری طبیعی باشد که حتی این فکر که شما خدمت می‌کنید نیز وجود نداشته باشد. مفهوم صفتِ صداقتِ خدا این است، که شما به سایرین خدمت می‌کنید تا آنها را خوشحال سازید حتی، به بهای خوشحالی خودتان. صداقت ایجاب می‌کند در خدمتی که انجام می‌دهید بوق و کرنا نزنید و همان طوری که با عزیزان خود رفتار می‌کنید، با سایرین نیز رفتار نمایید.

۴۲- به سوی من بیایید

با ایمان، عشق و نیایش و اشتیاق برای دریافت عشق و فیض الهی‌ام به سوی من بیایید.

من می‌خواهم شما به خاطر بسپارید که با افکار دنیوی نزد من نیایید. بیایید تا عشق مرا دریافت نمایید. همچنین به خاطر داشته باشید آن که با من دوست می‌شود همه چیز، حتی خودش را از دست می‌دهد، آن هنگام من وصال خدا را می‌دهم.

من به همه‌ی شما که نزد من آمده‌اید و آنها که می‌خواهند نزد من بیایند اعلام می‌دارم که هرگز با اشتیاق و آرزو برای ثروت یا چیزهای دنیوی نباید نزد من بیایید، بلکه فقط نزد من بیایید تا با اشتیاقی آتشین همه چیز خود، جسم، ذهن و دارایی، همراه با تمام بستگی‌هایشان را به من بدهید.

وقتی نزد من می‌آیید آماده باشید تا بیشتر از سکوت‌م دریافت کنید تا کلامم.

۴۳- به بیکرانی خویش پی برید

شما نامحدودید و در واقع در همه جا وجود دارید اما فکر می‌کنید که بدن می‌باشید و لذا خود را محدود می‌یابید. اگر به درون خویش بنگرید و جوهر حقیقی روح خود را تجربه کنید، تشخیص خواهید داد که نامحدودید و ماورای تمامی آفرینش می‌باشید.

حقیقت عشق الهی یک امید نیست بلکه یک واقعیت است، سایر چیزها وهم و خیال است. ایمان داشته باشید و شما نجات خواهید یافت. عشق داشته باشید و شما بر خودی محدود که از خواسته‌ها تشکیل یافته و بر هستی حقیقی شما (خدا) حجاب افکنده، پیروز خواهید شد.

چرا در جستجوی درمان موقت که موجب اسارت می‌گردد، می‌باشید؟ از خدا، پول، مقام، قدرت، سلامتی یا فرزند نخواهید بلکه فیض عشق او را طالب شوید، که شما را به سرور و آزادی ابدی رهنمون است.



اگر به خاطر من تمام چیزهای جسمانی، ذهنی و روحانی را ترک کنید من از آن شما خواهم بود.

۴۴- از من اطاعت کنید

آنچه از شما می‌خواهم این است، که همیشه مرا دوست داشته باشید و از من اطاعت کنید. با علم بر اینکه اطاعت از من آن طوری که باید، برای شما غیر ممکن است. با تکرار اهمیت اطاعت، به شما کمک می‌کنم تا آنچه را از شما می‌خواهم از صمیم دل به انجام برسانید.

وقتی آنچه را که مرشد می‌گوید انجام دهید مسئولیت به عهده‌ی او خواهد بود، حتی اگر اطاعت شما از روی خواست و اراده‌ی شما نباشد.

با به یاد داشتن من، یا به آرامی نام مرا تکرار نمودن می‌توانید ذهن خود را به من بسپارید. من می‌خواهم که زیر فشار جریانات زندگی خونسرد باشید، زیرا شرایط هرچه باشند آفریده‌ی من هستند.

۴۵- برای همیشه بیدار شوید

وقتی شما «بیدار» شوید در می‌یابید، رؤیای عظیم که شامل تمامی جنبه‌های گوناگون و مجازی رؤیا می‌باشد برای همیشه محو گردیده. بهشت و دوزخ و همچنین تمام منازل و آسمان‌ها در درون شما محو می‌شوند تا به عنوان هیچ باقی بمانند. در این «حالت بیداری» جا برای هیچ چیز وجود ندارد مگر شما، خودی حقیقی، هستی جاویدان و نامحدود. این تنها تجربه‌ای است که ارزش تجربه نمودن و جستجو را دارد. برای کسب این تجربه شما باید در قدم مرشد کامل خاک شوید، یعنی هیچ گردید. وقتی شما کاملاً هیچ شدید همه چیز می‌شوید. همین که من در دل شما بیدار شدم شما نیز برای همیشه بیدار می‌مانید.

۴۶- جویای کشور خاکی نباشید

شادمانی و لذت‌های مادی و دنیوی را مجوید تا گنج روحانی بدست آرید. مراد آنکه، در حالی که لذت‌های مادی را نمی‌جوید، جویای خدا باشید و خدا را می‌یابید.

خدا را آنگاه می‌یابید که در پی ارضای نفس نباشید. گنج روحانی با خواستن و دراز کردن دست حاصل نمی‌شود. فقط با انکار کامل نفس، گنج روحانی، خود به خود نمایان می‌شود. جویای کشور خاکی نباشید، در جستجوی کشور آسمانی باشید و آن را می‌یابید. شما نمی‌توانید سرور و آرامش بیکرانی را که در اثر یافتن خدا حاصل می‌شود، تصور کنید. من همه‌ی عشقم را به شما می‌دهم تا شما روزی بتوانید به خدا عشق بورزید، آن طوری که باید به او عشق ورزیده شود.

۴۷- مرا خدا بدانید

خدا به شما از سایه‌تان نزدیک‌تر است. در واقع خدا نه تنها در درون شماست بلکه خود شماست. دست شما به خدا نمی‌رسد زیرا از طریق ذهن که او را به هدفی پوچ و واهی مبدل می‌سازد، به جستجوی او می‌پردازید.

من خدا هستم، خدای ماورا و خدا در شکل انسانی. با عنایت به فرصت‌های بی‌شمار در مصاحبت خودم، هر دم شما را به خویش نزدیک‌تر می‌سازم. اما آشنایی معمولاً موجب می‌شود فراموش کنید که من خدا هستم. من بر تمام آنچه که روی خواهد داد واقفم. هر آنچه که اتفاق افتد بدون خواست من روی نمی‌دهد. من دانسته اجازه می‌دهم، در سیر طبیعی خودشان اتفاق افتند.

۴۸- سعی نکنید مرا درک کنید

آن لحظه که به جای عشق ورزیدن به خدا سعی به درک او نمایید، آن لحظه آغازی است برای درک نکردن خدا، و جهل شما نفس شما را زنده نگاه می‌دارد. فکر نمی‌تواند به ماورای خود دست یابد، زیرا خدا، نامحدود و ماورای فکر است.

دعوت مهربابا

مکشید که با ذهن محدود خود به درک اهمیت کارهایم بپردازید و یا از آنها تقلید نمایید. آنچه را من انجام می‌دهم شما نباید انجام دهید بلکه آنچه را به شما می‌گویم، انجام دهید. کوشش به درک فعالیت‌های من، درک محدودیت‌های فهم خودتان می‌باشد. همین که سعی می‌کنید بازی الهی مرا با عقل خود درک کنید، سادگی بی‌پایان آن به نظر خیلی پیچیده جلوه می‌کند.

۴۹- بازی الهی

هر چه بیشتر در حضور من باشید و عشق مرا با دلی گشاده پذیرا گردید، بیشتر از صمیم دل مرا می‌پذیرید. و هر چه بیشتر مرا ببینید بیشتر متقاعد می‌شوید که مرا کمتر و کمتر درک می‌کنید. کوشش عقلانی برای درک بازی الهی من، رشته‌های وسیعی از تحقیقات را به وجود می‌آورد که در آنها سرگردان می‌شوید و دیر یا زود با بن بست رو به رو شده و خود را گم شده می‌یابید. اگر کارهای من باعث گیجی و سرگردانی می‌شوند به این علت است، که به من اعتماد کامل ندارید؛ بنابراین تمامی شک و تردیدها را ریشه‌کن سازید و خوب به خاطر بسپارید که آنچه را من انجام می‌دهم، حق است. تمام کارهایم عکس‌العمل الهی من هستند و زاده‌ی عشق الهی من می‌باشند.

۵۰- دانش جاودانی را به دست آورید

دانش (خویش‌شناسی)، مجازها، شک‌ها و نگرانی‌ها را ریشه‌کن می‌سازد و رنج و عذاب ظاهری بلافاصله به آرامش ابدی و خوشحالی جاویدان که هدف هستی است، مبدل می‌گردد. امیدوار نباشید زیرا این دانش، ماورای امید و خواستن است. استدلال نکنید زیرا این دانش، در خیال یا فکر نمی‌گنجد. تردید به خود راه ندهید زیرا این دانش، یقین‌یقین‌هاست. زندگی نفس را زنده نگاه ندارید زیرا ذهن‌هایی که در آنها شهوت، حرص، دروغ و ناپاکی وجود داشته باشد، نمی‌توانند به این دانش برسند. به خدا همچون جان‌جانان خود عشق بورزید و در اوج این عشق، این دانش قرار دارد.

۵۱- به خاطر خودم به من عشق بورزید

سالیانی است که پیام خاموش عشقم را در سکوت داده‌ام. شما تقاضای پیامی از سکوت‌م نموده‌اید. اما کلام سکوت من، بی‌صدا و خاموش است. عشق بی‌صداست و عاشق به سکوت من عشق می‌ورزد و بی‌صدا مرا در سکوت‌م می‌پرستد. اگر چه چنین به نظر می‌آید که ساکت هستم، اما توسط همه‌ی شما صحبت می‌کنم. من همیشه ساکت هستم و جاودانه صحبت می‌کنم. اما موقع آن فرا رسیده که به زودی این سکوت ظاهری را بشکنم و آنها که به من عشق می‌ورزند، هستی حقیقی مرا خواهند دید. من می‌خواهم شما بدانید، که مطمئناً سکوت‌م را خواهم شکست، و می‌خواهم که تا به آخر دامن مرا محکم در دست خود بگیرید؛ خواه صحبت بکنم یا صحبت نکنم. من بالاترین بالاترها هستم و می‌خواهم به من عشق بورزید، نه به خاطر چیزهای روحانی یا مادی، و نه به خاطر شکستن قریب‌الوقوع سکوت و ظهورم بلکه می‌خواهم به خاطر خودم، که خدا در شکل انسانی می‌باشم، به من عشق بورزید.

۵۲- مرا دایم در یاد داشته باشید

با قدرت الهی خود به شما می‌گویم هر که نام مرا در نفس‌های آخر به زبان آورد نزد من می‌آید؛ بنابراین فراموش نکنید که در واپسین لحظات، مرا در یاد خود داشته باشید. اما اگر از هم اکنون مرا مدام در یاد نداشته و نام مرا پیوسته تکرار نکنید، هنگام ترک بدن نخواهید توانست که مرا در یاد خود داشته و نامم را تکرار کنید. وقتی احساس عصبانیت می‌کنید یا افکار شهوانی به شما دست می‌دهد، بلافاصله از صمیم دل مرا به یاد بیاورید. بگذارید نام من چون یک تور باشد که روی شما قرار گرفته به طوری که افکار، مانند پشه ممکن است به وروز خود ادامه دهند اما قادر نخواهند بود که شما را نیش بزنند. هر لحظه که احساس می‌کنید هیجان زده می‌شوید، مرا به یاد بیاورید و می‌توانید آن لحظه را بلافاصله به خنده تبدیل نمایید.



۵۳- دل خود را از بیگانگان خالی کنید

اگر به هستی خدا یقین دارید بر شماست که او را بجوئید، ببینید و بشناسید. خدا را بیرون از خویشتن مجوئید. خدا را فقط در درون خویش که خانه‌ی اوست می‌توانید بیابید. اما شما خانه‌ی او را از میلیون‌ها بیگانه پر کرده‌اید و او که از بیگانگان گریزان است نمی‌تواند به خانه‌ی خود راه یابد. تا این بیگانگان را از خانه بیرون نرانید هرگز خدا را نخواهید یافت. این بیگانگان آرزوهای دیرین و میلیون‌ها خواست و خواهش‌های شماست. درستی و صداقت در برخورد با سایرین، بیگانگان را از دل شما بیرون خواهد راند. آن‌گاه موقی است که خدا را خواهید یافت، خدا را خواهید دید و خدا را خواهید شناخت. اگر می‌خواهید خدا را ببینید و بشناسید، نفس باید با مرگ واقعی رو به رو گردد.

۵۴- تسلیم خواست من باشید

اگر می‌خواهید همیشه زنده باشید با تسلیم کامل خویش به من، تشنه‌ی مرگ نفس اغفال کننده‌ی خود باشید. برای اینکه خود را کاملاً تسلیم خواست من نمایید دل شما باید پاک و ذهن شما تهی از هرگونه فکر باشد. همه‌ی کسانی که در عشق به من، خود را تسلیم می‌سازند حقیقتی را که پشت جسم من قرار دارد خواهند دید، خواهند پرستید و خواهند شناخت. خاک به خود نمی‌اندیشد، خواه لگدمال شود یا روی پیشانی یک انسان قرار گیرد و یا اینکه در هوا یا آب معلق بماند. برایش تفاوت ندارد. من به شما می‌گویم که مثالی بهتر از خاک شدن برای تسلیم محض یافت نمی‌شود. تسلیم بالاتر از عشق است، و اگرچه این خود یک معماست اما مرا دوست داشتن، آن طوری که باید دوست داشته شوم غیر ممکن است در حالی که اطاعت از من ممکن می‌باشد.

۵۵- به من ایمان کامل داشته باشید

اگر ایمانی چون سنگ و عشقی آتشین برای خدا داشته باشید، هیچ چیز در این جهان بر شما تأثیر نخواهد داشت. بدبختی شما را ناراحت نخواهد کرد، چالپوسی بر شما اثر نخواهد داشت، خوشحالی شما را منحرف نخواهد ساخت. چنین ایمان و عشقی شما را بالاتر از پدیده‌های خیالی برده و موجب می‌شود بفهمید، فقط خدا حقیقی است. به خدا کاملاً اعتماد کنید و او تمامی مشکلات شما را بر طرف خواهد ساخت. از روی اخلاص همه چیز را به او واگذار کنید و او به همه چیز رسیدگی خواهد کرد. صمیمانه به خدا عشق بورزید و او خود را آشکار خواهد ساخت. این عشق از تشریفات و ظاهرسازی بی‌نیاز است. دل شما باید آن چنان عشق ورزد که حتی ذهن شما از آن بی‌خبر باشد. نگذارید که هیچ چیز ایمان شما را به من سست کند، و تمام قید و بندهای شما از بین خواهند رفت. همین‌که بالهای خود را برای پرواز گشودید باید مانند یک قو مستقیم پرواز کنید. مثل گنجشک، از درختی به درختی دیگر نپرید که در این صورت خیلی چیزها شما را از راه، منحرف خواهند نمود.

۵۶- از رنج و عذاب نهراسید

شما باید رنج و عذاب جسمانی و ذهنی را همچون هدایای خدا بدانید. آنها به ما زودگذر و پوچ بودن، و همچنین ارزش ذاتی جاودانه را درس می‌دهند. وقتی بلا و مصیبت و بدبختی به جانب شما روی می‌آورد دلسرد و شوکه نشوید. خدا را شکر کنید که بدین‌سان فرصتی به شما داده تا تحمل و صبر به دست آورید. آنها که قدرت تحمل بلا و مصیبت را به دست آورده‌اند به آسانی می‌توانند وارد راه روحانی بشوند. از رنج نهراسید و کسی را به خاطر آن سرزنش نکنید. طبق قانونی که بر جهان حکمفرماست تمام رنج‌ها کوشش عشق شماست، برای کنار زدن حجاب از روی هستی حقیقی شما. در مقایسه با خوشحالی بیکرانی که با رسیدن به «حالت من خدا هستم» تجربه می‌کنید تمام رنج و عذابی را که پشت سر می‌گذارید، عملاً هیچ است.

دعوت مهربابا

۵۷- دل خود را پاک نگه دارید

برای پاک شدن دلتان افکار خود را به حال خودشان رها کنید اما مراقب اعمالتان باشید. وقتی خشم، شهوت یا حرص به شما روی می‌آورد نگران آنها نباشید و سعی نکنید به آنها مجدداً فکر نمایید. بگذارید بدون اینکه جامه‌ی عمل بپوشند این افکار بیابند و بروند. سعی کنید به افکار متضاد بیندیشید تا اعمالی را که زاینده‌ی کشته‌ی اعمال خودتان می‌باشند، درک نموده، تمیز دهید و فراموش کنید و بالاتر از همه، آن اعمال را خنثی سازید.

اگر مردم از روی تزویر و ریا با شما عمل کنند و مشکلاتی را برای شما به وجود آورند و شما را فریب دهند و شما پاک و صدیق بمانید خیلی سعادتمند هستید، زیرا این فریب دهندگان یا به اصطلاح دشمنان شما، دوستان شما می‌باشند. آنها گناهان و ضعف‌های شما را پاک می‌کنند و راه شما را به سوی خدا روشن می‌سازند.

۵۸- پیام عشق مرا گسترش دهید

آنها که حقیقتاً به من عشق می‌ورزند، کانون‌ها و مراکز من در جهان هستند. یک عاشق بابا، در هر جایی که هست باید کانون بابا باشد و پیام ابدی عشق الهی را انتشار داده، با عشق، ایثار و صداقت زندگانی نماید. وقتی پیام ابدی عشق مرا به سایرین می‌دهید ابتدا به آنها نشان دهید که شما حقیقتاً به من عشق می‌ورزید. آنها را فقط به خواندن کتاب‌ها و پیام‌های من، وادار ننمایید. بیش از این انجام دهید. چنان با عشق، ایثار، بخشش و تحمل زندگی کنید که سایرین به من عشق بورزند. اگر به جای انجام کار واقعی که عشق ورزیدن است، شما اقدام به انجام کار متشکل و تبلیغاتی نمایید پوچ و بی‌معنی خواهد بود. من احتیاج به تبلیغات ندارم. اگر شما نمی‌توانید با عشق و صداقت زندگی کنید باید از کار کردن برای من دست بردارید.

۵۹- برای وصال با خدا بی‌قرار باشید

فقط یک چیز را آرزو کنید. فقط برای یک چیز بی‌قرار باشید. آرزوی یک چیز را داشته باشید که میلیون‌ها آرزوی دیگر را نابود می‌سازد، آرزوی یکی شدن با معشوق را داشته باشید. شما باید در این فکر که با حلقه یا حقه معشوق را تصاحب کنید، خویشتن را گم نمایید. وقتی به قیمت زندگی و تمسخر دنیا در اعماق وجود خود آماده‌ی وصال خدا شدید، آن هنگام شاید بتوان گفت که شما به جاده‌ی عشق الهی قدم نهاده اید. حتی آرزوی وصال معشوق نیز موجب قید و بند می‌شود؛ بنابراین به فراق یا وصل بی‌اعتنا باشید، فقط عشق بورزید و بیشتر عشق بورزید و آن هنگام قادر خواهید شد تا خود و راه خود را به مرشد کامل که او، راه است تسلیم نمایید و شما تدریجاً تغییر می‌کنید و نفسستان کمتر و کمتر خود را ابراز می‌دارد. آن هنگام هر آنچه مرشد کامل بگوید قادر به انجام آن می‌گردید.

۶۰- الوهیت را به دست آورید

شما می‌توانید معاش خود را با عرق جبین به دست آورید و شما می‌توانید الوهیت خود را با خون جگر به دست آورید. تا همچون خاک نشوید نمی‌توانید خدا را بشناسید. اما ابتدا باید چون سنگ شوید، زیرا بلافاصله نمی‌توانید خاک شوید. آنچه لازم است نگه داشتن آگاهی انسانی و چون سنگ شدن و سپس در قدم مرشد کامل به خاک مبدل شدن است. بگذارید عشق و حقیقت شما را هدایت کنند، این است راه ساده‌ای که به خدا منتهی می‌شود. نه با دنبال نمودن مجازهای اغواگر، بلکه با وفاداری به حقیقت تغییرناپذیر است که می‌توانید در صلح و آرامش ابدی مستقر شوید. اسیر آزادی باشید، به وارستگی دلبنده باشید. این بدین معنی است که امیال داشته باشید، اما ارباب آنها باشید نه بنده‌ی آنها.



۶۱- خود را فراموش کنید

برای اینکه بیشتر و بیشتر به خدا نزدیک گردید باید بیشتر و بیشتر از «من»، «مال من»، «به من»، «مرا» و امثال آن دوری گزینید. نباید دنیا را کنار بگذارید بلکه نفس خود را ترک کنید. این کار هرچند محال به نظر می‌آید، بسیار آسان است و با نظر عنایت‌م ترک آن امکان دارد، و مسلماً برای جاری نمودن امواج همین فیض آمده‌ام.

نفس مجازی با دوز و کلک شما را از هستی حقیقی دور می‌دارد. نفس مجازی حتی به لباس صداقت ملبس گشته و خود را می‌فریبد. مثلاً نفس مدعی است که: «من بابا را دوست دارم». اگر شما حقیقتاً بابا را دوست می‌داشتید نفس مجازی شما این چنین بیانی را ابراز نمی‌داشت. نفس به جای اینکه خود را در عشق محو سازد ادعا دارد که «من» بابا را دوست دارم.

۶۲- در من زندگی کنید

شما نباید چیزی را ترک کنید. شما می‌توانید یک زندگانی خانوادگی را در پیش بگیرید و در دنیا باشید. شما می‌توانید به هر کار و شغلی که دارید مشغول باشید، اما یک کار را همیشه انجام دهید. همیشه به من فکر کنید و همیشه سعی کنید سایرین را حتی به قیمت خوشحالی خودتان خوشحال نمایید.

شما باید به طور معمولی زندگی کنید و بابا را دوست بدانید و به وجود خودتان دل‌بند نباشید. آن موقع پرده‌ای از عشق بابا خواهید داشت که شما را از دنیا محافظت خواهد کرد.

بهترین راه برای پاک ساختن دل، یک زندگانی معمولی و دنیوی را در پیش گرفتن است که به شما کمک می‌کند، تا در میان وظایف روزمره، مسئولیت‌ها، دوست داشتنی‌ها و دوست نداشتنی‌ها و غیره بتوانید زندگی کنید. تمامی اینها خود می‌توانند وسیله‌ای شوند برای پاک شدن دل.

۶۳- بهشت را در دنیا تجربه کنید

خداوند که قادر متعال، دانای کل، عشق بی‌کران، رحم و شفقت بی‌کران و سرور بی‌کران است، درون همه‌ی شما وجود دارد. همچنین در شما تمام جنبه‌های ظاهراً متضاد این صفات نامحدود نظیر: ناتوانی، جهل، شهوت، ظلم، رنج و غیره نیز وجود دارند. آنکه طالب خداست مهر و از خود گذشتگی را در خود پرورش می‌دهد. آنکه در پی سایه‌های زودگذر (امیال و آرزوها) می‌باشد خودخواهی، حرص و نفرت را در خود پرورش می‌دهد. اولی صلح در کوره‌ی زمین است و دومی آورنده‌ی جنگ و تخریب. آرزوها و خواست‌های نامعقول و غیر ضروری را کنار بگذارید تا بهشت را در دنیا تجربه کنید.

در حال حاضر شما به عنوان روح، از خدا و سرور خدا بی‌خبرید. ذهن شما مطابق با کشته‌ی اعمالتان یا در عذاب است و یا خوشحال. ذهن را رها کنید تا به هستی حقیقی خود تغییر ماهیت یابید.

۶۴- مرا چون خودی حقیقی‌تان بیابید

باید همیشه در خاطر خود داشته باشید تنها چیزی که ارزش به یاد داشتن را دارد، سایر چیزها را فراموش نمودن و مرا در یاد داشتن است، تا اینکه بتوانید به من عشق بورزید و سپس مرا چون خودی حقیقی‌تان بیابید.

من از نَفَسْتان به شما نزدیکترم. مرا در خاطر خود داشته باشید. من با شما هستم و عشقم راهنمای شما خواهد بود. من آنم که در میان انسانها همیشه گم می‌گردد و پیدا می‌شود. عشق شما برای خودتان موجب می‌شود که من گم‌گرم و عشق شما به من مرا می‌یابد. مرا بیش از همه چیز دوست بدانید زیرا اکنون که در میان شما هستم می‌توانید به سادگی به حقیقت من پی ببرید.

اگر می‌خواهید چیزی درباره‌ی خدا بدانید و به او برسید دامن بابا را محکم بگیرید. اگر برای خدا اهمیت قائلید و طالب عشق هستید و اگر آرزوی وصال خدا را دارید تنها راه حل پناه بردن به بابا است.

دعوت مهربابا

۶۵- احساس ناتوانی نکنید

اگر شما در درون خویش خدا را شناخته‌اید، و می‌دانید که خدا قادر متعال است، شما نیز باید قادر متعال باشید. پس چرا شما احساس ناتوانی می‌کنید؟ من همان یکتای ازل باقی می‌مانم و در همه هستم؛ بنابراین همه‌ی شما خدا هستید، در حالی که شما احساس ناتوانی می‌کنید. چرا چنین است؟ زیرا نوعی حجاب وجود دارد که بین شما و خدا قرار دارد. شما خود حجاب هستید و برای شما امکان ندارد که آن را از میان بردارید. چشمان شما که خیلی کوچکنند می‌توانند منظره‌ای وسیع و تمام اشیای واقع در آن را ببینند، اما آنها نمی‌توانند خودشان را ببینند. برای اینکه خودشان را ببینند یک آینه لازم است. بنابراین وقتی آینه‌ی فیض من نزول کند بلافاصله هستی حقیقی خودتان آشکار می‌گردد. شما باید خود را کاملاً در اقیانوس عشق من غرق کنید، تا فیض مرا در آنجا بیابید.

۶۶- مرکز خود را در من نگه دارید

آنچه را می‌گویم انجام دهید و بقیه را به من بسپارید. اما آنچه را می‌گویم انجام دهید. وقتی اقیانوس را می‌بینید مرا به صورت اقیانوس ببینید، من اقیانوس هستم. وقتی امواج اقیانوس را می‌بینید فکر کنید، این باباست. مرکز و نقطه‌ی اتکای خود را در بابا حفظ کنید. من با شما و همراه شما هستم. شما نباید درباره‌ی چیزی نگران باشید. من برای ابد با شما و همراه شما هستم.

تو... یکی از سنگ‌های من هستی که می‌توانم به آن اعتماد داشته باشم. می‌توانم قول دهم که مطمئناً تا موقع وصل همواره نزدیک من خواهی بود. بیش از این چه می‌خواهی؟ چه هست که بخواهی؟ من با تو زیاد صحبت نمی‌کنم، زیرا بدون صحبت قابل درک است. تو آن را می‌دانی. آن در درون است.

۶۷- دامن مرا محکم بگیرد

وقتی من به سطح شما نزول می‌کنم چون با من خو می‌گیرید و با من آشنا می‌گردید، الوهیت مرا کاملاً فراموش می‌کنید. فراموش می‌کنید که من حتی از کوچکترین چیزها هم با خبرم. وقتی با شما می‌نشینم، وقتی درباره‌ی سلامتی شما و سایر چیزها از شما می‌پرسم فراموش می‌کنید که باید مرا از تمامی جزئیات مطلع سازید و در عین حال فراموش می‌کنید که من همه چیز می‌دانم. در تمامی چیزهایی که بابا برای شما مقرر می‌دارد، دل‌های خود را پاک نگه دارید. نگذارید سوء تفاهم ایجاد شود. اگر شما عشق و ایمان دارید که من اوتار هستم (که هستم) باید از من اطاعت کنید و باید مرا دوست بدارید. اگر آماده نیستید که از من اطاعت کنید و یا شک دارید و دلتان می‌خواهد خواسته‌ی خودتان را انجام دهید، آن موقع شما باید مرا ترک نمایید، اگر مرا دوست دارید باید دامن مرا محکم بگیرید.

۶۸- در آگاهی ام سهم گردید

من در تمام سطوح با شما یکی هستم، اما شما فقط موقعی به آن پی می‌برید که نفس و عقلتان دخالت نکنند. آن هنگام بابا آن چنان که هست ظاهر می‌شود. به من گوش فرا دهید، وقتی با قدرت الهی‌ام می‌گویم که وحدت حقیقت، آنقدر نامحدود و در همه جا گسترده است که نه تنها «ما یکی هستیم» بلکه حتی جایی برای واژه‌ی «ما» در وحدت بخش‌ناپذیر و لایتناهی وجود ندارد. من همیشه به اینکه در شما هستم آگاهم، در حالی که شما هرگز به اینکه من در شما هستم، آگاه نیستید. هر روز از شما حمایت می‌کنم و در آگاهی شما سهم هستم. اکنون می‌خواهم که مرا حمایت کنید تا اینکه روزی بتوانید در آگاهی من سهم باشید.



۶۹- عشق حقیقی

اساساً عشق مُسری است: آنان که فاقد آن هستند آن را از آنهایی که دچار آن هستند، وا می‌گیرند. آنان که عشق را از سایرین وا گرفته‌اند، نمی‌توانند در مقابل این دریافت از ابراز عکس‌العمل خودداری کنند و این خود، طبیعت عشق است. عشق حقیقی غیر قابل شکست و مقاومت ناپذیر است. عشق، وسعت و انتشار خویش را تا به حدی خواهد رساند، که ناگزیر هر که را در بر می‌گیرد، منقلب و دگرگون می‌سازد.

۷۰- انجام دهید هر آنچه که می‌گوییم

فرضاً اگر بگوییم: «در مورد فرزندانان نگران نباشید» شما باید کلام مرا چون کلام خدا بدانید؛ زیرا که من همان هستم. واژه‌ی خدا یعنی چه؟ خدا باید بر همه چیز واقف و کننده‌ی همه‌ی کارها باشد. بنابراین وقتی می‌گوییم: «در مورد فرزندانان نگران نباشید» بدان معنی است که شما مجبور نیستید نگران باشید. فرضاً من کلیدم را بچرخانم و فردا زلزله‌ای اتفاق آفتد و در پنج دقیقه همه‌ی شما محو شوید، آن هنگام نگرانی شما در مورد خانواده و فرزندانان چه می‌شود؟ بنابراین من می‌گوییم «به گفته‌ی من عمل کنید»، به هر دستوری که ممکن است به شما بدهم. فقط همین لازم است. آنچه را می‌گوییم انجام دهید و بقیه را به من بسپارید، لیکن به آنچه که می‌گوییم، عمل کنید.

من به خصوصیات شما بی‌توجهم. تنها خصوصیتی که می‌خواهم شما داشته باشید عشق است. شما به من عشق می‌ورزید و من از شما راضی هستم.

۷۱- خدا

به خدا کاملاً اعتماد کنید و او تمام مشکلات شما را حل خواهد کرد. با اخلاص همه چیز را به او بسپارید و او به همه چیز رسیدگی خواهد کرد.

به خدا صمیمانه عشق بورزید و او خود را ظاهر خواهد ساخت. همه چیز را برای این عشق فدا کنید و معشوق را در درون خویش خواهید یافت.

چرا یافتن خدا بسیار دشوار است؟ زیرا شما در پی چیزی هستید که هرگز آن را گم نکرده‌اید. من آنم که خیلی‌ها در جستجوی او هستند اما تعداد اندکی او را می‌یابند. هیچ اندازه کوشش عقلانی به درک من توفیق نمی‌یابد. هیچ اندازه ریاضت نمی‌تواند مرا به دست آورد. فقط وقتی شخص مرا دوست بدارد و خود را در من گم کند من یافت می‌شوم.

۷۲- بیدار کننده

من برای تأسیس چیزی جدید نیامده‌ام، من آمده‌ام زندگانی را قدیمی سازم. من برای تأسیس زیارتگاه یا خانقاه نیامده‌ام. من آنها را به منظور کار جهانی‌ام برپا می‌کنم و همین که منظور برآورده شد آنها را منحل می‌سازم.

من می‌خواهم تمامی مذهب‌ها و مسلک‌ها را همچون دانه‌های تسبیح که از یک نخ گذشته‌اند یکی سازم و آنها را برای احتیاجات فردی و جمعی احیا نمایم.

عشق الهی، پیام همیشگی من بوده و خواهد بود. این پیام را به دنیا برسانید. ظهور من برای نابودی مجاز نیست، زیرا که مجاز هیچ است. من می‌آیم تا شما را به هیچ بودن مجاز واقف سازم. مجاز را که چیزی جز سایه‌ی هستی نامحدود نیست، توسط شما حفظ می‌کنم و وقتی از طریق من، غیر حقیقی بودن مجاز را تجربه کردید، مجاز را به دور می‌افکنید.

شجاع باشید، خوشحال باشید. من و شما یکی هستیم. و لایتناهی که جاودانه به من تعلق دارد، روزی به هر یک از افراد تعلق خواهد داشت.

قدرت، تواضع می آورد در حالی که تواضع ظاهری، حاکی از ضعف است. فقط کسی که حقیقتاً بزرگ است می تواند به معنای واقعی متواضع باشد.

کسی که برای خودش زندگی می کند حقیقتاً مرده است و کسی که به خاطر خدا می میرد حقیقتاً زنده است. در آن سوی زایش و مرگ، روح، هستی یکتا، بخش ناپذیر و ابدی می باشد. اگر مرگ دارای ارزشی باشد این است که به انسان هنر زیستن واقعی را یاد می دهد.

نه به دنبال مرگ باشید و نه از آن بهراسید و وقتی مرگ برای شما فرا می رسد به پله ای تبدیل می گردد که به سوی زندگانی رفیع تری منتهی می شود.

شما نامحدودید. در واقع شما همه جا هستید. اما شما فکر می کنید که بدن می باشید، لذا خود را محدود در نظر می گیرید. اگر به درون نظر افکنید و ماهیت حقیقی روح خودتان را تجربه کنید، تشخیص خواهید داد که نامحدود و بالاتر از آفرینش می باشید.

۷۴- هدف زندگی

نه با دنبال نمودن خوشحالی یا امنیت شخصی، بلکه با ایثار دوباره و دوباره ی زندگانی در راه خدمت به سایرین، دسترسی به حقیقت که کامل و بی نظیر است امکان پذیر می باشد. با فرار از زندگی نمی توان خدا را یافت بلکه با برقرار نمودن وحدت با یکتایی، که در همه هست امکان پذیر است. پاک، عشق و خدمت، جان کلام زندگی روحانی است.

آنها که دل های خود را از سم تلخ خودخواهی، نفرت و حرص پاک می سازند خویشتن را چون خدا می یابند. حقیقت زندگی الهی یک امید نیست بلکه حقیقت است، و سایر چیزها وهم و مجاز. ایمان داشته باشید و نجات می یابید. عشق داشته باشید و بر نفس پر از امیال که بر هستی شما سایه افکنده پیروز خواهید شد.

۷۵- کارکنان روحانی

آنکه برای من کار می کند مرا مدیون خود نمی سازد، زیرا که برای وجود خودش کار می کند. وقتی پیام ابدی عشق مرا به سایرین می دهید، ابتدا به آنها نشان دهید، که شما حقیقتاً به من عشق می ورزید. آنها را صرفاً به خواندن کتابها و پیام های من وادار ننمایید. بیش از این انجام دهید. چنان با عشق، ایثار، بخشش و تحمل زندگی کنید، که سایرین به من عشق بورزند. اگر به جای انجام کار واقعی که عشق ورزیدن است، شما اقدام به انجام کار متشکل و تبلیغاتی کنید، پوچ و بی معنی خواهد بود. من احتیاج به تبلیغات ندارم، اما عشق و صداقت می خواهم. اگر شما نمی توانید با عشق و صداقت زندگی کنید باید از کار کردن برای من دست بردارید.

کارکنان روحانی الزاماً با موانع بسیاری رو به رو می شوند اما باید بر موانع چیره شد. حتی اگر غیر قابل عبور باشند، شما باید صرف نظر از نتیجه ها و پی آمدها سعی خود را بنمایید.

۷۶- عشق الهی

خدا و عشق یکی هستند و آنکه عشق الهی دارد خدا را دارد. عشق الهی ما را با خودمان و سایرین صدیق می سازد. عشق الهی راه حل تمام مشکلات و مسایل ماست. عشق الهی ما را از هر گونه قید و بند رها می سازد. عشق الهی موجب می شود که گفتار، اندیشه و کردار ما درست و خوب باشد. عشق الهی موجب می شود که با تمام عالم، احساس وحدت و یگانگی بنماییم. عشق الهی دل های ما را پاک و هستی ما را نورانی می سازد. نخستین درس عشق ورزیدن به خدا، عشق ورزیدن به کسانی است که نمی توانید به آنها عشق بورزید. هرچه بیشتر دیگران را به شفقت و محبت یاد کنید خود را بیشتر فراموش می کنید، و چون خود را به کلی فراموش کردید خدا را می یابید.

